

سیر تحقیق قانون و قانونیت طی سده اخیر

مؤلف:

عبدلویس غفار

سال 2020

بخش پنجم

سیر تحقق قانون دردوران ظاهرشاه

(۱۳۱۲. ۱۳۵۲ هجری شمسی مصادف با ۱۹۳۳ الی ۱۹۷۳ میلادی)

محمد ظاهر را بعد از گذشته شدن پدرش نادرشاه که پسر جوان و بی تجربه بود کاکاهایش در ظاهر امر به تخت پادشاهی جلوس دادند، اما دولت الی سالهای ۱۳۴۲ هجری شمسی توسط کاکاهایش اداره میشد. لذا دوران ظاهرشاه را از نظر سیر تحقق قانون میتوان در دو مرحله مطالعه نمود:

۱. دوران حکومت کاکاهایش الی سال ۱۳۴۲ هجری شمسی .

۲. بعد از سال ۱۳۴۲ هجری شمسی الی سقوط نظام شاهی .

در دوره اول سلطنت ظاهرشاه که دوکاکا و یک پسرکاکایش به اصطلاح صدراعظم بودند، اما آنان در اصل دولت رارهبری میکردند، رعایت قانون وقانونیت در جامعه، تا حدودی قوس نزولی را که ازدوره نادرشاه برهبری هاشم خان شروع شده بود پیمود، اما شاه محمودخان تا حدودی جلو قانون شکنیها ومظالم را گرفت، مگر سردار محمد داود خان که تربیه شده دست هاشم خان بود مانع تحقق حقوق وآزادیهای اتباع کشوری خصوص روشنفکران جامعه گردید، ولی در جهت استحکام نظام (تقویه اردو)، بخشهای اقتصادی، انکشاف ورشد کشور تا حدودی تلاش ورزید.

نگاهی مختصر به دوره اول سلطنت ظاهرشاه (سه صدراعظم فامیل شاهی):

. سردار محمد هاشم اولین صدراعظم دوره ظاهرشاه مدت ۱۷ سال در پست نخست وزیری با انضباط واستبداد در حفظ سلطنت وحاکمیت دولت بالای مردم اجرای وظیفه نمود. طبق اصول اساسی دولت علیه افغانستان که در سال (۱۳۱۰ هجری شمسی زمان نادرشاه) در (۱۱۰ ماده) که حقوق وصلاحیت شاه، حقوق اتباع افغانستان، شورای ملی، وظایف و حقوق وزرا، حقوق مامورین، محاکم، امور مالی، اداره ولایات، نظام عسکری واصول متفرقه در آن تسجیل شده بود، هاشم خان به کمک شاه وقت رهبری میکرد، مرعی الاجرا بود.

اصول اساسی متذکره در مواد ۹ الی ۲۶ آن (حقوق عمومیه تبعه افغانستان)، شامل: تعریف تبعه افغانستان، آزادی اموردینی ومذهبی، مصونیت افراد جامعه که بدون امر شرعی

واصولنامه توقیف و مجازات نمیگردند ، تساوی حقوق مرد و زن طبق شریعت غرای محمدی و اصولنامه ، استخدام اتباع افغانستان نظربه اهلیت در امور دولت ، مصوئیت مسکن و مال ، حتمی بودن تعلیمات ابتدائیه ، آزادی مطبوعات ، آزادی تجارت و صنعت ، اخذمالیه طبق اصولنامه و... بود.

پرنسپهای حقوقی متذکره صرف جهت تغیرآذهان عامه و جهانیان درج کاغذ شده بود، اما درعمل هاشم خان اراده رفاع همه اتباع کشور را نداشت ودرتحقق اصولنامه ها یاقوانین ارزشی قابل نبود، برعکس روحیه انتقام و ایجاد نفاق را دربین ملیتهای افغانستان، جهت بقای نظام داشت. چنانچه بر اثرظلم و استبداد موصوف نه تنها اتباع عادی جامعه متضرر گردیدند ، درخانواده سلطنتی نیزاختلافات بوجود آمد.

موصوف در دوران حکومت خویش مانع ایجاد جنبشهای روشنفکری گردیده و به شدت آنها را سرکوب نمود. درنخستین روزهای حکومتش دربرچیدن افراد روشفکرو وطنپرست دوره امانیه اقدام نمود، ژورنالستان، منجمله غلام محی الدین انیس مدیرمسئول روزنامه انیس ، عبدالحی داوی مدیرمسئول روزنامه امان افغان و یکی ازپیشتازان جنبش مشروطیت ، عبدالرحمن لودین مشروطه خواه و تعداد کثیر وطنپرستان دستگیر، و روانه زندان نمودند. محترم نصیرمهرین دربخش دوم مقاله تحت عنوان پادشاهی چهل ساله ظاهرشاه درارتباط صدارت هاشم خان ، کارهای انجام شده آن دوره مینویسد: ... درزمان صدارت او اصلاحاتی ایجاد شد، مانند سرکهای که از قندهار تا هرات کشیده شد و سرک مشهوردره شکاری، همین طور دربرخی ازولایات. و ازولایات مختلف به کابل جاده های موتررو احداث گردید. درزمینه اقتصاد، تجارت ، بانکداری و نظارت دولت براموررا تا حدودی انجام داد و نقشی مهمی درامور اقتصاد کشور، تأسیس بانک ملی افغان بازی کرد.

توافق صدراعظم با یکتن از سرمایه داران ملی به نام عبدالمجید خان زابلی، زمینه ایجاد بانک و تعدادی از مؤسسات تجاری و تولیدی مانند فابریکات قند بغلان، نساجی پلخمیری، شرکت سهامی پشتون در قندهار، شرکت سهامی نساجی، نساجی جبل السراج، شرکت وطن، فابریکه تیل کشی قندوز ، فابریکه پشمینه بافی، فابریکه برق و ... را فراهم نمود. درزمینه تأسیس مکاتب و ارتقاع معارف نظربه ضرورت آنزمان توجه لازم صورت نه گرفت. طبق ارقام ارائه شده توسط محترم نصیرمهرین : در سال (۱۳۱۲ هجری شمسی) افغانستان دارای (۱۶۵۰) معلم، (۳۷۰) باب مکتب ذکور (۴۵۹۱) متعلم بود. در سال (۱۳۲۵ هجری شمسی) به (۲۶۷۷) معلم و (۹۳۳۴۴) متعلم ارتقاء نمود.

حکومت هاشم خان به ایجاد مکاتب دخترانه نظرمساعد نداشت. امامحصلین ذکور را به کشورهای اروپایی، امریکا و ترکیه جهت فراگیری رشته‌های مختلف فرستاد. فاکولتة طب کابل که در سال (۱۳۱۱ هجری شمسی) تأسیس شد بود در واقع نخستین هستة پوهنتون کابل بود، که به تدریج با تأسیس فاکولتة ادبیات، وسایرفاکولته‌ها مانند فاکولتة حقوق وعلوم سیاسی در سال (۱۳۱۷ هجری شمسی) تأسیس گردید، تعلیمات نامه و صورت قبولی محصلین آن به فرمان شخص صدراعظم منظورمیگردید.

از نتایج تحقیق و بررسیهای محققین ونویسنده گان برمیآید که دوره حکومت هاشم خان، مملواختناق ، وحشت ، ظلم وستم ، بیرحمی ونقض کرامت بشری (قانون شکنی وعدم یحقق قانون) درتاریخ کشورما بود.

. شاه محمود خان توسط ظاهر شاه با وادارساختن محمد هاشم خان به استعفاء، بمقام صدارت تعیین گردید. میرمحمد صدیق فرهنگ مینویسد: صدراعظم هاشم خان حاضر به استعفا نبود، اما استعفا براو تحمیل گردید، طوریکه افراد اردو اطراف صدارت رامحاصرکردند، ونامة شاه را درنیمة شب به اوفرستاده شد. هاشم خان مجبورشد تا برادرش شاه محمود خان را به عوضش بپذیرد.

زمان صدارت شاه محمود خان نسبت به زمان صدارت هاشم خان نسبتاً خوب بود ودر زمینه رعایت حقوق وآزادیهای مردم تا حدودی توجه شد، انعطاف پذیری سیاست دولت درمقابل مردم دیده میشود. برخی آگاهان پنج سال اول صدارت شاه محمود خان را یک دوره نسبتاً خوبی زمامداری ظاهرشاه میدانند، بدلیل اینکه زمینه رشد وتقویت دموکراسی رافراهم نمود. به این لحاظ آگاهان شاه محمود خان رابخاطررعایت اصل دموکراسی، نشرات آزاد ومستقل توسط اشخاص ومحافل مختلف وشخصیتهای مشروطه خواه که سوابق مبارزه وناسازگاری بانظام استبدادی گذشته داشتند، مانع فعالیت شان نگردید. دراین دوره جراید آزاد ندای خلق، وطن وولس نیز به نشرات آغاز نمودند.

درابتداء صدارت شاه محمود خان یکتعداد مردم نسبت مظالم هاشم خان، نارضایتی شان را با براه انداختن تظاهرات ابرازداشتند، بعضی آنان قیام نمودند. از جمله ابراهیم گاو سوار درهزاره جات ، سید اسماعیل بلخی ،خواجه محمد نعیم وتعداد دیگر ، دولت آنان را زندانی نمود. طبق ادعای برخی تحلیلگران تاریخ، شاه محمود بعد ازاینکه به صدارت گماشته شد، ازسران اقوام تاجیک، هزاره، ازبیک وقزلباش، نسبت ظلمی که در دوره گذشته علیه شان صورت گرفت بود، معذرت خواست.

شاه محمود خان در زمینه ارتقاء سطح دانش، رشد اقتصاد کارهای را انجام داد.

اکرم اندیشمند در اثر تحقیقی معارف عصری افغانستان مینویسد که : (رویهمرفته پس از جنگ جهانی دوم و در دوران صدارت سردار شاه محمود، معارف افغانستان در عرصه های مختلف تعلیمات نسوان، تعلیمات عالی و تعلیمات مسلکی تحول نمود). چندین مکتب جدید تأسیس گردید. پس از تأمین ارتباط بایونسکو و مشوره با آن مؤسسه، مؤسسات تربیه معلم و چندین مکتب دهاتی احداث گردید، در پوهنتون (دانشگاه) کابل از یکطرف فاکولته های جدید ایجاد گردید و از جانب دیگر دختران بیشتر توانستند به دانشگاه ها راه بیابند. دختران در آغاز به صورت جداگانه تدریس میکردند و بعد از سال (۱۹۶۰ میلادی) دختران و پسران مشترکاً مصروف تحصیل گردیدند. همچنان لیسه های رابعه بلخی، ملالی، زرغونه و چندین مکتب دیگر بنام های مستوره غوری، محجوبه هروی، ستاره و نازو انا در کابل برای دختران تأسیس گردید.

به همین شکل در تأمین روابط سیاسی با کشورهای مختلف موفق شد. با آنکه در آن زمان امریکا با افغانستان روابط چندانی خوب نداشت، توانست تاحدودی کمکهای مالی در جهت اکتشاف و رشد کشور بدست آورد از جمله میتوان از کمکهای مالی و اعمار پروژه هلمند یاد آور شد. افغانستان در آن دوره عضویت ملل متحد را حاصل نمود. روابط با شوروی بهتر شد و چندین قرارداد در زمینه رشد و انکشاف کشور با اتحاد شوروی عقد گردید.

. سردار محمد داود خان در سپتامبر سال ۱۹۵۳ میلادی با استعفای شاه محمود خان مقام صدارت را به عهده گرفت.

محترم عبدالله شادان بتاريخ (۲۵ اکتوبر ۲۰۱۱ میلادی) از طریق رادیو بی بی سی ضمن تبصره (صدارت داوود خان و بازگشت محدودیت و سانسور) بیان داشت که : در آن زمان جنگ سرد بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی در حال تشدید بود. امریکا سعی داشت با ایجاد پیمانهای نظامی، اتحاد شوروی را که تازه از انزوای استالینی بیرون شده بود، محاصره کند و جلو پیشروی آن کشور را بگیرد.

افغانستان مانند سایر کشورهای کوچک باید مناسبات بین المللی خود را با توجه به جنگ سرد، تعیین میکرد و این در حالی بود که مرزهای تحمیل شده استعماری در بسیاری از مناطق آسیا و خاور میانه و از جمله در افغانستان مورد سوال قرار گرفته بود.

در افغانستان حکومت جدید آزادی های محدود دموکراتیک را از مردم پس گرفت. آزادی مطبوعات سلب شده، جراید آزاد و مطبوعه های خصوصی که در واقع ماشینهای گسستنری بودند مصادره گردید، حکومت دوباره در انتخابات شورا مداخله کرد و شماری از روشنفکران و ژورنالیست های آزادیخواه به زندان افتادند.

داوود خان هدف خویش را توسعه اقتصادی و تشکیل پشتونستان آزاد قرارداد.

محترم عبدالحمید مبارز بعد از رهائی زندان حکومت محمد داوود چنین گفت :

(من بعد از آنکه از زندان رها شدم، فرصتی پیدا شد و سردار محمد داوود خان مرا احضار کرد، ضمن صحبت برایم به این شکل گفت که: « برادر، شما در هر نقطه افغانستان که بروید کسی سخن شما را قبول نمیکند و اگر یک ملا برود، گپ او را قبول میکنند، بناءً شما اول بگذارید که کشور توسعه اقتصادی بیاید، یک روشنی در مملکت بیاید، بعد از آن پروگرام تانرا روی دست بگیرد. ...»)

محمد داوود خان با منطق فوق در جهت سلب آزادی بیان و لغو قانون مطبوعات دوره شاه محمود خان داشت. و از طریق ریاست مستقل مطبوعات، نظارت و سانسور بر مطبوعات را میکرد. دولت، نشرات دولتی را جهت ارائه معلومات و روشن ساختن اذهان مردم از طریق پالیسیها و اهداف دولت، گسترش داد، جراید و روزنامه های متعدد دولتی به نشرات آغاز نمود. نخستین بار شعبه ژورنالیسم در دانشگاه کابل تاسیس شد.

یک تعداد از تحلیلگران معتقدند حکومت محمد داوود در جهت رعایت حقوق و آزادی زنان، از جمله رفع حجاب با تدبیر و کاردانی، کار موفقانه انجام داد، رفع حجاب مشارکت بیشتر زنان در فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و سپس سیاسی را در پی داشت. چنانچه زنان مبارز کشور در جهت تنویر زنان کشور بخاطر حصول حقوق و آزادیهای شان مانند :

رقیه ابوبکر، کبرا نورزائی، اناهیتا راتب زاد، حمیرا نورزایی، معصومه وردک، نفیسه عباسی، شفیقه کبیرسراج، رؤفه احراری و سایر زنان بادرک و احساس وطن در آن زمان قابل تقدیر میباشند. همچنان تقویت و گسترش فعالیت موسسه نسوان (میرمنو تولنه) و ارگان نشراتی آن، زمینه فعالیت زنان پیشتاز را در کشور مهیا نمود، چنانچه موسسه و نشرات آن نقش ارزشمندی را در آگاهی زنان از حقوق، آزادی و مسئولیتهای شان ایفا کرد. به همین منوال سایر نشرات در مرکز و ولایات کشور.

قرانشرات جریده رسمی وزارت عدلیه طی مرحله اول دوران زمامداری ظاهرشاه که رهبری دولت بالترتیب کاکاهایش وپسر کاکایش به عهده داشتند قوانین متعدد (اصولنامه) راجهت ایجاد ادارات، رشد، انکشاف، ثبات ونظم دربخشهای مختلف جامعه تصویب نمودند که در (۱۴۳) شماره جریده رسمی جهت معلومات هموطنانما به نشررسید.

لذا نمیتوان ازفعالیتهای نظام درجهت تقویت نسبی اقتصادی، ارتقاء سطح دانش ، آزادی نسبی مطبوعات بصورت مقطعی، آزادی نسبی زنان، امنیت نسبی درمرکز وولایات کشور چشم پوشی نمود.

اختلافات داخل خانواده سلطنتی وبه ویژه مخالفت سردار شاه ولی خان کاکا و سردار ولی پسرکاکایش با محمد داود خان، سرانجام درماه حوت (۱۳۴۲ هجری شمسی) استعفا کرد و با کنارفتن او ، دورتازه ای درحیات سیاسی افغانستان آغازگردید.

دوره دوم زمامداری ظاهرشاه که ده سال و چند ماه ادامه یافت، با نظرداشت دلایل ذیل دولتمردان ناگزیر رعایت آزادی ، دموکراسی وتحقق قانون را قبول نمودند و اراده خویش را درزمینه ابرازکردند. چنانچه عوامل :

. خارجی (مبارزات آزادی خواهی دراکثر کشورهای تحت مستعمره، نیمه مستعمره، ترویج افکار ناسیونالیستی وسوسیالیستی، سقوط دولتهای مطلقه وسایرافکارسیاسی).

. داخلی ازجمله (ایجاداحزاب وتشکل سازمان های مختلف سیاسی ومبارزات منسجم و پراکنده آنان) سبب شد تا مردم از زمامداران افغانستان، مانند سایرکشورها تا حدودی حقوق وآزادی سلب شده شانرا حصول ومستفید گردند. ازجمله آزادیهای بیان، مطبوعات، تاسیس احزاب و... که در قانون اساسی (۱۳۴۳ هجری شمسی) تسجیل گردید. باردیگر جراید آزاد غیر دولتی درمرکز وولایات به نشرات اقدام نمود.

اکثرمورخین نقش ظاهر شاه را دردهه دموکراسی برجسته می دانند.

میرمحمد صدیق فرهنگ مورخ افغان بدین عقیده بود که درنتیجه اختناق آن دوره، جوانانیکه ازامکان مبارزه قانونی مایوس شده بودند. به فعالیت زیرزمینی رو آوردند، وسلطنت از این فعالیتها درهراس گردید.

اعظم رهنورد زریاب روزنامه نگار و نویسنده مشهور کشور، دوره های آزادی نسبی در افغانستان را به چهار دوره تقسیم کرد: دوره ی امانی (شاه امان الله). دوره نخست وزیری شاه محمود خان. دوره دوره دهه قانون اساسی و دوره ریاست جمهوری دکتور نجیب الله. اما اوبه این باور بود که در این دوره ها آزادی های نسبی در اثر فشار از پائین نبوده، بلکه دولت به دلایل سیاسی، فضا را کمی باز نگهداشتند.

قانون اساسی سال (۱۳۴۳ هجری شمسی) نقش اساسی مهم در ایجاد دموکراسی نسبی و تحقق قانون در جامعه داشت:

بتاریخ (۱۱ حوت ۱۳۴۱ هجری شمسی) مطابق (سوم مارچ ۱۹۶۲ م) ظاهر شاه داکتر محمد یوسف را به حیث صدراعظم تعیین نمود. با این اقدام، خود را از حصار خانواده بیرون کرد. کابینه داکتر محمد یوسف مرکب از شخصیت‌های تحصیل کرده و با نفوذ بود، پس از معرفی کابینه، مهمترین اقدام تاریخی داکتر یوسف، تعیین هیأت هفت نفری جهت تهیه طرح مسوده قانون اساسی جدید کشور در ماه (حمل ۱۳۴۲ هجری شمسی) بود. که اولین جلسه کمیته کار تسوید قانون بتاریخ (۱۱ حمل) همان سال، با همکاری کارشناس و حقوقدان فرانسوی به نام (لوی فوزیر) در وزارت عدلیه دایر گردید، بعد از جروبحث فراوان، طرح متذکره تهیه و به کمیته مربوطه سپرده شد. سرانجام لویه جرگه بتاریخ (۱۸ سنبله ۱۳۴۳ هجری شمسی) در عمارت سلام خانه ارگ دایر و پس از ده روز مباحثات علنی و تصحیح بعضی مواد آن، بتاریخ (۲۹ سنبله ۱۳۴۳ هجری شمسی) ذریعه (۴۵۴) نفر اعضای لویه جرگه به تصویب، و به تاریخ (۹ میزان ۱۳۴۳ هجری شمسی) توسط ظاهر شاه توشیح، و رسماً به مرحله اجرا گذاشته شد.

طبق قانون اساسی جدید، رژیم دولت افغانستان شاهی مشروطه اعلان گردید، و تعریفی از ملت افغان: (تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارد افغان نامیده میشود). ارائه گردیده، شعایر دینی از طرف دولت طبق مذهب حنفی دین اسلام، شکل رسمی را بخود گرفت. طبق ماده دوم قانون متذکره آزادی سایر ادیان تضمین گردید. وظایف و صلاحیتهای وسیع شاه در پانزده ماده توضیح گردید، و علاوه تا شاه غیر مسئول و واجب الاحترام دانسته شد. باینکه حقوق فامیل شاه مادام العمر تضمین گردید، برای اولین مرتبه در قانون اساسی افغانستان تسجیل گردید که اعضای خاندان شاهی نمیتوانند شامل احزاب سیاسی گردند. و در پستهای صدارت، وزارت، عضویت شورا و عضویت ستره محکمه تقرر حاصل نماید.

- . در فصل سوم حقوق و آزادی مردم پیشبینی شده که بصورت مختصر عبارت انداز:
تمام مردم افغانستان بدون تبعیض و امتیاز در برابر قانون، حقوق و وظایف مساوی دارند.
- . آزادی حق طبیعی انسان است این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم می گردد حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است.
- . دولت مکلف به احترام، حمایت آزادی و کرامت انسان میباشد.
- . هیچ عملی جرم شمرده نمیشود مگر بموجب قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.
- . هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب عمل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.
- . هیچ کس را نمیتوان تعقیب یا گرفتار نمود مگر برطبق احکام قانون.
- . هیچکس را نمی توان توقیف نمود، مگر طبق حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون.
- . براءت الذمه حالت اصلی است، متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه، محکوم علیه قرار بگیرد بیگناه شناخته میشود.
- . جرم يك امر شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا او به شخص دیگری سرایت نمیکند.
- . تعذیب انسان جواز ندارد، هیچکس نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگری اگر آن شخص تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.
- . تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد. اظهاری که از متهم یا شخص دیگر بوسیله اکراه گرفته شود اعتبار ندارد. اعتراف به جرم عبارت است از اعترافی که متهم به رضای کامل در حالت صحت عقل به ارتکاب جرمی که قانونا به او نسبت داده شده در حضور محکمه با صلاحیت می نماید. هر شخص حق دارد برای دفع اتهامی که قانونا به او متوجه شده وکیل مدافع تعیین کند مدیون بودن يك شخص در برابر شخص دیگر موجب سلب یا محدود شدن آزادی مدیون شده نمیتواند.
- . طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گیرد.

. هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه دولت خود سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرارداده است و همچنین هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و عودت کند.

. هیچ افغان به تبعید در داخل افغانستان و خارج از افغانستان محکوم نمیشود.

ماده ۲۷ : هیچ افغان به علت اتهام به يك جرم به دولت خارجی سپرده نمی‌شود. در مواد ۲۸ الی ۳۱ آزادیهای مسکن، ملکیت، مخابرات و مراسلات، بیان تضمین شده بود. قوه مقننه در دو مجلس که بنام ولسی جرگه و مشرانو جرگه، تعریف صلاحیت، وظایف و ارتباط قوای با سایر ارگانها و حالات انحلال شورای که از صلاحیت شاه دانسته شده بود در مواد ۴۰ الی ۷۷ قانون تسجیل گردید.

. تشکیل، طرز فعالیت و صلاحیتهای لویه جرگه در مواد ۷۸ الی ۸۴ قانون اساسی، و در مواد ۸۵ الی ۸۹ قانون طرز تشکیل و صلاحیتهای حکومت توضیح شد.

. قوه قضائیه منحیث یک رکن مستقل دولت شناخته شده، ستره محکمه در راس قوه قضائیه قرار گرفت که اعضای رئیس آن از طرف شاه با نظر داشت شرایط که در قانون پیشبینی شده، تعیین میگردد. تشکیلات، صلاحیت و وظایف محاکم مرکز و ولایات کشور طبق مواد ۹۷ الی ۱۰۷ قانون پیشبینی شد. به همین شکل در فصول هشتم الی یازدهم، اداره، حالت اضطرار، تعدیل و احکام انتقالی از مواد ۱۰۸ الی ۱۲۸ قانون اساسی توضیح گردیده بود.

دوره دوم حکومت ظاهر شاه را با نظر داشت تصویب و تطبیق نسبی قانون اساسی، ایجاد سازمان های مختلف سیاسی، نقش ارگان مقننه در تصویب قوانین و نظارت بر عملکرد حکومت، رعایت نسبی آزادی بیان و موجودیت امنیت در کشور را بنام دهه دموکراسی یاد مینمایند.

در جنب قانون اساسی، تصویب قانون مطبوعات سال (۱۳۴۴ هجری شمسی) نقش عمده در ایجاد دموکراسی داشت، و طبق ماده اول آن: آزادی فکری و بیان بموجب حکم ماده ۳۱ قانون اساسی افغانستان از تعرض مصئون است. بمنظور تطبیق حکم ماده مذکور و با رعایت دیگر ارزشهای مندرج قانون اساسی، احکام این قانون و طرز استفاده از حق آزادی مطبوعات را برای اتباع افغانستان تنظیم کرد. به تعقیب آن در فقره اول اهداف قانون چنین توضیح شده که: فراهم کردن زمینه مناسبی که بروی آن همه افغانها بتوانند فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و امثال آن اظهار کنند و مطالب را به طبع و نشر برسانند.

لذا توسعه مطاب و افزایش در تعداد جرایم در دهه دموکراسی سبب گردید که تحجر فکری و تحجر سیاسی که در کشور استیلا داشت، محدود گردد و ارزشهای جدیدی بمیان آمد. سازمانهای متعدد چپ، چپ افراطی، ناسیونالیستی، راست، مذهبی و فوندامینتالیست مذهبی ایجاد و به فعالیتهای سازمانی خویش شامل نشرات، براه اندازی اعتصابات، تظاهرات گسترده، در جهت توضیح و تحقق اهداف خویش، اقدام نمودند. با آنکه بعضاً تلفات و سکتگیها در امور تحصیلی و کارهای روزمره جامعه بوجود آمد، اما نقش خویش را در تنویر افراد جامعه و اشاعه دموکراسی داشت. چنانچه تاریخ (سوم عقرب ۱۳۴۴ هجری شمسی) یکی از روزهای مبارزات روشنفکران افغان در جهت تحقق آزادی و دموکراسی افغانستان میباشد ثبت تاریخ کشور ما گردید.

بعد از حادثه سوم عقرب جهت بهتر شدن وضع در کشور بخصوص شهر کابل، شاه حکومت جدید را تحت ریاست محمدهاشم میوندوال توظیف نمود. صدراعظم جهت دلجوئی محصلین بلاد رنگ به پوهنتون رفت و در عزای شهدای سوم عقرب شرکت کرد و مورد استقبال محصلین قرار گرفت، اعتصابات خاموش شد. میوندوال با اقدام دیگر افراد تحت نظارت رارها نمود، فضائی پر آشوب کشور شکل عادی را بخود گرفت.

بالترتیب محترمان نور محمد اعتمادی، دکتر محمد ظاهر و موسی شفیق موظف به تشکیل حکومت گردیدند و وظایف خویش را در جوسیاسی جنگ سرد، معضلات اقتصادی، خشکسالیهای متواتر، عدم همکاری مثبت میان قوای ثلاثه که بعضاً باعث بروز معضلات و عدم نظارت از اجراء حکومت و رعایت دقیق قانون میگردد، انجام دادند.

نظریه دلایل فوق نمیتوان از رعایت و تحقق کامل قانون و قانونیت در دوره دوم نظام شاهی ظاهر شاه یاد آور شد، با آنکه طی دور دوم، قوانین، فرامین، قراردادهای بین المللی و سایر مطالب حقوقی مفید در جهت ایجاد نظام، تنظیم ادارات، رشد و انکشاف جامعه و غیره امور از مراجع حقوقی تصویب و صادر گردید و در (۲۴۲) شماره جرایم رسمی ارگان نشراتی وزارت عدلیه نشر گردید، اما نواقص و عدم موفقیتها دامنگیر جامعه بود. یکی از دلایل عدم موفقیتها دوره دوم حکومت ظاهر شاه، عدم توشیح قانون احزاب سیاسی، قانون شوراهای ولایات و لایحه شورای شهری و بلدییهها بود که توسط پارلمان تصویب شده بود، میباشد.

رعایت و تطبیق آن اسناد تقنینی نمیتوانست به تشکل احزاب قانونی و شرکت آنان در پارلمان، تقویه نظام پارلمانی و رعایت نظم و انضباط در جامعه گردد. همچنان زمینیه اشتراک اکثریت مردم را در بخشهای مختلف جامعه مهیا میساخت. اما سلطنت از نیرومند شدن سازمانهای چپی هراس داشت. گرچه در عمل احزاب چپ، راست و میانه وجود داشت.

همچنان تصویب و تطبیق قانون شوراهای ولایتی به قانون اساسی وزنه ووجاهت بیشتر میبخشد زیرا طبق فقره اول ماده ۴۵ قانون اساسی، شوراهای ولایتی یکنفر از اعضای خود را برای سه سال به مجلس سنا انتخاب مینمود، اما یک ثلث مجلس سنا از ۲۸ ولایت کشور در مجلس کمبود بود. لذا قانونیت تصامیم مجلس سنا یا اعیان زیر سوال میباشد. افغانستان که از جمله کشورهای کم انکشاف و تا حدودی فقیر، نسبت عدم انکشاف به حساب میرود، مشکلات اقتصادی همیشه دامنگیر آن بود و میباشد. و بدون کمکهای اقتصادی خارجی الی انکشاف کشور، هموطنانما در وضع رقتبار بسر میبرند.

طی سالهای دور دوم زمامداری ظاهر شاه بر علاوه محدود شدن کمکهای اقتصادی، با اكمال تعداد پروژه های زیربنایی، منابع محدود عواید، بخصوص ازدیاد قاچاق و فساد اداری که اثرات منفی بر عواید گمرکی (منبع عمده عاید دولت بود) داشت، محدود شدن محصولات زراعتی و تولیدات مالداري، نسبت خشکسالیهای متواتر برای هموطنانما و دولت فاجعه بار بود. فرا رسیدن موعد بازپرداخت قرضه های خارجی و عوامل دیگر بر معضلات اقتصادی افغانستان اثرات منفی بیشتر نمود.

شاه امیدوار بود که موسی شفیق جوان تحصیل کرده که یک دهه به حیث مشاور وزارت خارجه، سفیر افغانستان در مصر، وزیر خارجه در کابینه داکتر ظاهر ایفای وظیفه نمود، میتواند در رفع مشکلات فوق از جمله ایجاد روابط کاری مثبت میان قوای ثلاثه مفید واقع شود.

موسی شفیق توانست تا حدودی روابط میان قوای ثلاثه را بهتر سازد، چندین سند با اهمیت تقنینی را به تصویب رسانید. از جمله قانون جدید خدمات ملکی، چندین موافقتنامه دریافت قروض خارجی، ایجاد دفتر روابط پارلمانی، ملاقات با وکلای درجهت رفع معضلات مردم و جامعه، روابط با مطبوعات آزاد، نشر مصاحبه اعضای کابینه و نتایج جلسات هفتگی کابینه، تادیه فیصد قابل مصارف چاپ روزنامه ها و جراید را. همچنان موسی شفیق توانست افزایش در صادرات کشور، ارائه جواب مثبت به تاسیس دو صد موسسات صنعتی، که از جمله (۸۲) آن تصویب و بفعالیت آغاز نمودند. اعمار و افتتاح پارک صنعتی کابل بکمک کشور هند، تاسیس بانک انکشاف صنعتی و...، توجه درجهت ارتقای اقتصاد کشور بود.

بناءً دوره دوم زمامداری ظاهر شاه را نظریه حکومات قبلی با استثنائی دوره امانی، میتوان بصورت نسبی درجهت رعایت حقوق و آزادیهای مردم، امنیت کشور، تصویب قوانین در جهت رشد نسبی کشور و تطبیق نسبی قانون مثبت ارزیابی کرد.